طلوع روزنامه

طلوع روزنامه فرهنگی / سیاسی / اجتماعی / ورزشی

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: محمدمهدی جعفری‌زاده

شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلوع (شاپا) : ۸۰۰۲-۵۸۷۳ ISSN: 5873 - 8002 عضو شرکت تعاونی مطبوعات کشور

شیراز: خیابان انقلاب (نادر) / نبش پارک انقلاب / مجتمع رز / طبقه اول تلفن: ۳۲۳۴۴۷۷۲-۰۷۱ فاکس: ۳۲۳۴۴۷۷۱

کازرون: خ قدمگاه / پایین تر از تقاطع امیرکبیر ۴۲۲۲۹۲۴۶-۰۷۱ پست الکترونیک: toloudaily@gmail.com

حساب جاری سپهر ۰۱۰۱۴۵۵۸۳۷۰۰۱ بانک صادرات به نام روزنامه طلوع آدرس سایت: www.tolounews.com

مرامنامه اخلاقی: tolounews.com/Regulations.aspx چاپخانه: خلیج فارس

چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۹ ○ شماره ۳۰۱۸ ○ قیمت در کازرون ۳۰۰۰ تومان

امروز شما

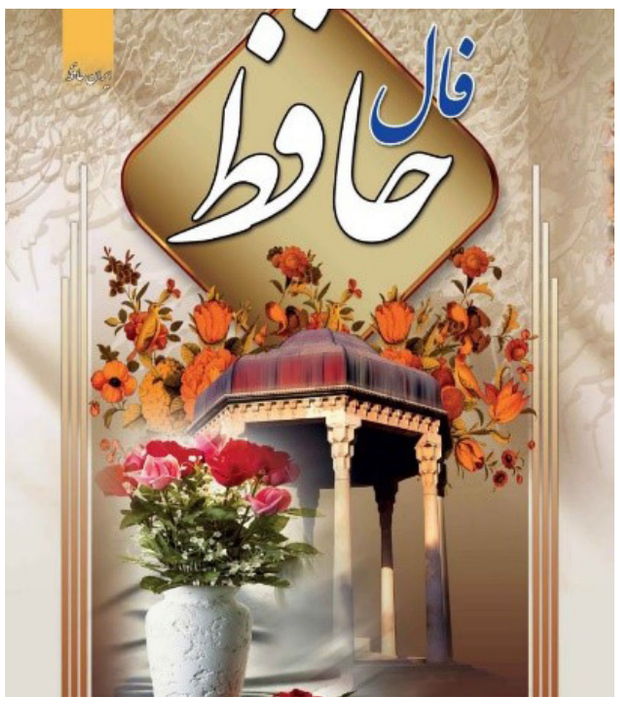

فروردین

کارهایی که ساده می‌نمود یکباره دشوار گشت، تلاش و زحمت شما کمتر نتیجه بخشید، اشتباهات شما هم مزید بر آن شده حالا فقط با صبر و بردباری و دقت می‌توانی کارهایت را سامان بخشی.

اردیبهشت

نگاه کن بین راه راست و کار دنیا چه فاصله‌ای افتاده است و مردم چگونه ریاکار شده‌اند و دیگر به هم اطمینان ندارند، دوران همبستگی به سر آمده و اکثر زیبایی‌ها دامی برای فریب آدمی است، پس حواست را جمع کن.

خرداد

آنقدر به مقصود و مراد خود فکر می‌کنید که حاضر نیستید، حتی کوچکترین اهمیتی برای حرف بدخواهان قائل شوید و این بسیار عالی است و چون دارای این اخلاق هستید حتماً موفق می‌شوید.

تیر

خبرهای بسیار خوشی برای شما در راه است که شادی را به زندگی شما باز می‌گرداند، هرچند کاری کرده‌اید که خود را مستوجب این شادی نمی‌دانید پس سعی کنید که دوباره این اشتباه را تکرار نکنید.

مرداد

اگر دنبال چیزی بروی که قسمت شما نباشد زندگیت خون دل خوردن خواهد بود. وقتی که سرانجام ما خاک شده است پس باید از ایام نهایت لذت را ببریم.

شهریور

شما خیلی خوش اقبال هستید، مطمئن باشید در هر کار و هر جایی خداوند متعال با شما همراه است.

مهر

شما شب و روز به فکر محبوب، کسی که دل شما را ربوده است، هستید. مطمئن باشید به مراد دلتان می‌رسید.

آبان

برای خودت اهمیت بیشتری قائل شو و خود را تا این حد کوچک و ناتوان فرض مکن.

آذر

به کمک دوستان خود به سعادت و نیکبختی می‌رسی پس سعی کن آنها را نیازاری.

دی

کسی را دوست داری اما تردید داری که آیا او هم تو را دوست دارد یا نه، سعی کن دلش را به دست آوری.

بهمن

شما باید قدر عزیزانی را که اطرافتان هستند بدانید. اگر کسی شما را نصیحت کند، سعی کنید از آن استفاده کنید.

اسفند

خودت آنقدر عاقل هستی که خوب و بد را تشخیص دهی به حرف دیگران زیاد توجه نکن.

لیلی گلستان از «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» می‌گوید

لیلی گلستان با بیان روایتی از چگونگی ترجمه و انتشار کتاب «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» اوریانا فالاچی از دلخوری‌اش برای صوتی کردن این اثر بدون اطلاع می‌گوید.

این مترجم در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به نحوه ترجمه و انتشار کتاب «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» نوشته اوریانا فالاچی گفت: من کتاب «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» را در سال ۱۳۴۸ ترجمه کردم و انتشارات امیرکبیر هم که بزرگ‌ترین انتشارات آن زمان بود، قبول کرد که آن را (در سال ۱۳۴۹) چاپ کند و این برای من شانس خیلی بزرگی بود، برای این‌که دختری جوان و مترجم ناشناسی بودم و آن‌ها از این کتاب خوششان آمده بود. ضمن این‌که در هنگام جنگ ویتنام و درست به‌موقع بود، البته که من متوجه این نبودم ولی انتشارات امیرکبیر به خوبی متوجه این موضوع بود.

او ادامه داد: آن‌ها برای من سنگ تمام گذاشتند، پوسترهای بزرگی درست کردند و تمام شهر پر از پوسترهای این کتاب بود، تمام کتابفروشی‌های روبه‌روی دانشگاه تهران در ویترین‌شان پوستر کتاب «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» را نصب کرده بودند و در عرض دو، سه ماه با وجود تعداد تیراژ بالای آن زمان، این کتاب به چاپ سوم رسید. در همه جا سروصدا کرد و با استقبال و فروش عجیب و غریبی روبه‌رو شد، حتی روزنامه‌ها درباره‌اش نوشتند و من هول و خیلی خوشحال بودم.

گلستان سپس به جمع شدن پوسترهای کتاب «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» از کتابفروشی‌ها توسط ساواک اشاره و بیان کرد: در همین زمان بود که نیکسون به ایران آمد و چون قرار بود از فرودگاه مهرآباد با ماشین به خیابان پاستور برود و از جلو دانشگاه تهران رد می‌شد، ساواک تمام پوسترهای این کتاب را از کتابفروشی‌ها جمع کرد تا نیکسون عکس فاجعه ویتنام را که خودش به راه انداخته بود، نبیند. همین مسئله هم به کتاب کمک کرد و فروش آن چندین برابر شد چون همه جا سروصدا کرد که ساواک پوسترهای کتاب «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» را به خاطر آمدن نیکسون جمع کرده، البته وقتی نیکسون رفت، دوباره پوسترها گذاشته شدند.

او افزود: حالا ۵۰ سال است که این کتاب منتشر می‌شود ولی چون من یک مترجم ناشناس و جوان بودم و بلد نبودم که باید چه کار کنم، فقط برای یک‌بار و برای همیشه با من قرارداد بستند؛ یعنی عملاً کتاب را از من خریدند و هر چه این کتاب بعد از آن و در این ۵۰ سال چاپ شده، من بابت آن پولی دریافت نکرده‌ام. البته که منفعت معنوی خیلی زیادی برای من داشت و راه را برای مترجم شدن من باز کرد و من اصلاً به پولش فکر نکردم چون خیلی در مترجم شدن به من کمک کرد.

لیلی گلستان با گله از اطلاع ندادن برای صوتی کردن ترجمه‌اش از کتاب «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» اظهار کرد: وقتی انتشارات امیرکبیر مصادره شد، هیچ‌وقت از آن‌ها طلبی نکردم که بگویم این کتاب را به من پس بدهند ولی حالا که این کتاب را صوتی کرده‌اند، اولاً که در قرارداد بنا به صوتی شدن نبوده، اما کتاب برای آن‌هاست و هر کار که دوست دارند با آن می‌کنند، مهم نیست ولی یک ظرافت حرفه‌ای به خرج می‌دادند و زنگی به من می‌زدند و می‌گفتند «خانم گلستان، خبر خوش! ما داریم این کتاب را صوتی می‌کنیم»، من هم می‌گفتم «مبارکتون باشه، اگر آماده شد، دو تا سی‌دی هم برای من بفرستید من خوشحالشم»؛ اما هیچ‌کدام از این کارها را نکردند و به من خبر هم ندادند و حالا این کتاب صوتی توسط نوین کتاب گویا به طرز خوبی خوانده و منتشر شده، همه چیز عالی است اما ظرفت حرفه‌ای به خرج ندادند و من از این موضوع دلخورم.

این مترجم در پاسخ به این سؤال که آیا کتاب «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» همان کتابی است که قبلاً در روایتی از زندگی خود گفته بود به واسطه انتشار آن، دخترهای جوان با دیدن پدرش (ابراهیم گلستان) او را «بابای لیلی گلستان» خطاب می‌کردند، گفت: بله، برای همین کتاب بود چون خیلی سروصدا کرد. من بعد از آن کتاب‌های دیگری (بیش از ۳۰ تا) ترجمه کردم. اولین‌بار بود که برای یک کتاب پوستر درست کردند؛ پوسترهای خیلی بزرگی که تمام ویترین‌های کتابفروشی‌ها را گرفته بود و من وقتی می‌دیدیم کیف می‌کردم.

لیلی گلستان ماجرای علاقه خود به ترجمه «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» را نیز چنین بیان کرد: من نقد این کتاب را در یک مجله فرانسوی خواندم و چون همیشه خیلی عاشق خبرنگاری و همچنین اوریانا فالاچی بودم، وقتی باخبر شدم چنین کتابی منتشر شده، دلم می‌خواست آن را ترجمه کنم و وقتی آن را خواندم، آن‌قدر دوستش داشتم که حیفم آمد بقیه آن را نخوانند، می‌خواستم بقیه هم در این خوشی با من سهیم باشند که سهیم هم شدند.

او در پایان گفت که بسیار زیاد پیش آمده ترجمه‌هایش بدون اطلاعش خوانده شوند و گفت: ولی من اصلاً به این موضوع اهمیت نمی‌دهم چون فکر می‌کنم هر چه بیشتر شنیده و خوانده شوند، بهتر است. هر چند که ما در ایران اصلاً اخلاق حرفه‌ای نداریم؛ یک روز رادیو را باز کردم، متوجه شدم در حال خواندن بخش سوم «شبی از شب‌های زمستان» با ترجمه من هستند، از من یا ناشر اجازه‌ای نگرفته بودند اما من اعتراضی نکردم فقط مطلبی در روزنامه نوشتم مبنی بر این‌که لااقل به من خبر بدهید، خودم هم گوش کنم و کیف کنم. اصلاً حرفه‌ای نیستند، من که پولی نخواستم، فقط خواستم ظرافت داشته باشند.

نسخه صوتی «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» با ترجمه لیلی گلستان به تازگی با صدای شهین نجف‌زاده منتشر شده است.

نمایشگاه مجسمه‌های «پرنده‌هایی که پرنده نیستند» افتتاح می‌شود

نمایشگاه مجسمه‌های آرزو آزادی با عنوان «پرنده‌هایی که پرنده نیستند» پنجشنبه ۳۰ بهمن ماه در گالری هفت ثمر گشایش می‌یابد.

به گزارش خبرنگار مهر، پرنده‌هایی که پرنده نیستند عنوان نمایشگاه آثار مجسمه آرزو آزادی (اکرم السادات شرق آزادی) است که روز پنجشنبه ۳۰ بهمن ماه در گالری هفت ثمر افتتاح می‌شود و از روز اول اسفند برای عموم بازدید خواهد داشت. این نمایشگاه به مدت یک هفته و تا ۶ اسفندماه در گالری هفت ثمر به نشانی خیابان مطهری، خیابان کوه نور، کوچه پنجم، شماره ۸ برپا خواهد بود.

در استیتمنت این نمایشگاه آمده است: چگونه می‌توان پرده واقعیت را کنار زد و پشت آن را دید؟ از وقتی که افلاطون شاعران را به جرم اینکه این پرده را کنار می‌زنند از آرمانشهر خود بیرون راند تا پس از جنگ‌های جهانی که هنرمند می‌خواست علیه خرد، به جنون و تخیل دامن بزند سبک‌های بسیاری به دنبال کنار زدن واقعیت برای نشان دادن حقیقت بوده‌اند.

آرزو آزادی برای این کار پرنده‌هایی ساخته که پرنده نیستند. پرنده‌هایی که آنقدر سنگین‌اند که همچون کوه به زمین چسبیده‌اند و از موجودات باستانی اعماق ناخودآگاه آمده‌اند. موجوداتی که وجود ندارند اما برای مخاطب آشنا به نظر می‌رسند.

پشت این پرده را نشان دادن، خود به خود آشنایی را می‌زداید و شگفتی به بار می‌آورد. به تاریکی فرو رفتن! سفر به هیچ و چیزی از دل نیستی، هست کردن! این همان سفری است که سفر نیست. سفر به جایی که همیشه در آن بوده‌ای! کرانمند کردن امر بی کران شلینگ و فشردن جهان در نقطه‌ای که از آن نقطه آغاز شده است. ساخته‌های او با اسطوره‌های ناخودآگاه و گذشته از مرز واقعیت، آرزو آزادی را طوری ساخته‌اند که می‌توان به او نزدیک شد و تجربه‌اش کرد، چیزی رازآلود را که در آنها دفن شده مثل باستان شناس، آرام بیرون کشید، خاک را با قلموهای نرم کنار زد و راز را دوباره کشف کرد.

خواندنی

سینما و تئاتر رفتن ایرانی‌ها به روایت اعداد

نتایج پژوهش «موج سوم پیمایش سنجش وضعیت مصرف کالاهای فرهنگی در ایران» درباره رفتن به سینما و تئاتر در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شد.

به گزارش مرکز خبر شورای عالی انقلاب فرهنگی، شناخت عالمانه مصرف فرهنگی؛ جزئیات، الگوهای اصلی و روندهای نوپدید؛ گامی در راستای بازنگری و بررسی ذائقه فرهنگی مردم ایران، به منزله یکی از نشانگرهای تحولات فرهنگی و اجتماعی کلان و به‌عنوان منبعی موثق در تحلیل تمایزات و نابرابری‌ها در دسترسی به تولیدات فرهنگی و نیز معیاری برای سنجش کارآمدی و اثربخشی سیاست‌های فرهنگی است.

هدف کلی پژوهشگران این پیمایش فراهم ساختن مجموعه‌ای از داده‌ها درباره شیوه گذراندن زمان فراغت مردم در شهرها و روستاهای ایران و «مصرف فرهنگی» آنان بوده است.

همچنین این پژوهش از نظر هدف، کاربردی بوده و از نظر زمانی، از نوع مقطعی است. از نظر گستره، از نوع پهنانگر است. در این پژوهش در دو سطح توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از پارادایم مطرح در چهارچوب نظری، یافته‌های به‌دست آمده ارائه شده است.

داده‌های این پژوهش به شیوه پیمایش گردآوری شده است. اطلاعات مربوط به شهروندان ایرانی از طریق پرسشنامه ساختاریافته به‌صورت مصاحبه رودر رو، جمع‌آوری شده است. همچنین جمعیت آماری این پژوهش، شامل تمامی افراد ۱۵ سال به بالای ساکن شهر و روستاهای کشور است.

تعداد نمونه در این بررسی ۱۵۶۰۶ نفر در ۳۱ استان کشور هستند.

در بخش «سینما و تئاتر» این پیمایش درباره رفتن به سینما، از پاسخ‌گویان پرسیده شده است: «سالی چند بار به سینما می‌روید؟» که به شرح ذیل نگاشته شده است:

۷۷.۷ درصد اصلاً سینما نمی‌روند و تنها ۲۲.۳ درصد سینما می‌روند.

همچنین پس از سه دسته دسته‌بندی مشخص شد که ۲۷ درصد کسانی که سینما می‌روند یک‌بار در سال، ۲۷.۹ درصد دوبار در سال و ۴۵.۱ درصد بیش از دو بار در سال به سینما می‌روند.

بنابراین با کاهش سن، افزایش سطح تحصیلات، منزلت شغلی و پایگاه اقتصادی رفتن به سینما در افراد بیشتر می‌شود.

زنان کمی بیشتر از مردان، دانش‌آموزان و دانشجویان بیشتر از بیکاران و شاغلان و این دو بیشتر از خانه‌دارها و این گروه نیز بیشتر از افراد دارای درآمد بدون کار سینما می‌روند که در جدول ذیل ارائه شده است:

همچنین در ادامه بخش «فیلم‌های مورد علاقه» از کسانی که سینما می‌روند پرسیده شده که «چه فیلم‌هایی را بیشتر می‌بینید؟

بیشترین فیلم‌های مورد علاقه در اولویت اول فیلم‌های خانوادگی و در اولویت دوم فیلم‌های اجتماعی است.

همچنین در اولویت اول ۵۱.۸ درصد سینماروها گفته‌اند که فیلم‌های مورد علاقه آنان، فیلم‌های خانوادگی، ۱۲.۴ درصد اجتماعی، ۱۰.۴ درصد عشقی، ۳.۹ درصد پلیسی، ۲.۴ درصد تاریخی، ۱.۶ درصد تخیلی و ۱.۴ درصد کارتون و انیمیشن است. برای ۱۶.۱ درصد افراد نیز نوع فیلم فرقی نمی‌کند سینما رفتن اصل است.

اما در اولویت دوم این بخش پیمایش سینما، فیلم‌های مورد علاقه سینماروها ۴۳.۸ درصد اجتماعی، ۲۳.۹ درصد عشقی، ۹.۲ درصد پلیسی، ۶.۸ درصد کارتون و انیمیشن، ۵.۳ درصد تخیلی، ۴ درصد تاریخی و ۳ درصد خانوادگی است. برای ۴.۱ درصد نیز برای سینما رفتن، نوع فیلم مهم نیست.

در جدول ذیل «نوع فیلم‌های مورد علاقه» مبسوط نگاشته شده است:

لذا مشخص شد با افزایش سن تماشای فیلم‌های خانوادگی، تاریخی، اجتماعی افزایش و تماشای فیلم‌های عشقی، تخیلی و پلیسی کاهش می‌یابد.

زنان بیشتر از مردان فیلم‌های خانوادگی و عشقی و کمتر فیلم‌های تاریخی، پلیسی می‌بینند.

با افزایش منزلت شغلی افراد دیدن فیلم‌های خانوادگی، عشقی و پلیسی کمتر و دیدن فیلم‌های اجتماعی بیشتر می‌شود.

با افزایش پایگاه اقتصادی افراد دیدن فیلم‌های اجتماعی، تخیلی بیشتر و دیدن فیلم‌های خانوادگی و عشقی کمتر می‌شود.

خانه‌دارها و افراد دارای درآمد بدون کار بیشتر از دیگر گروه‌های فعالیت، فیلم‌های خانوادگی و کمتر فیلم‌های عشقی می‌بینند.

افراد دارای درآمد بدون کار بیشتر از دیگران فیلم‌های تاریخی و اجتماعی می‌بینند.

دانش‌آموزان و دانشجویان بیشتر از دیگران فیلم‌های تخیلی، و این گروه و بیکاران بیشتر از دیگران فیلم‌های عشقی را می‌بینند.

بیکاران و پس از آنان دانش‌آموزان و دانشجویان بیشتر از دیگران فیلم‌های پلیسی می‌بینند.

همچنین در بخش رفتن به تئاتر از پاسخ‌گویان سؤال شده که «سالی چندبار به تئاتر می‌روید؟»

۸۷.۲ درصد گفته‌اند که اصلاً تئاتر نمی‌روند و تنها ۴.۳ درصد گفته‌اند که تئاتر می‌روند.

۴۷.۹ درصد کسانی که تئاتر می‌روند گفته‌اند سالی یک‌بار، ۲۵.۴ درصد سالی دوبار و ۲۶.۶ درصد در سال بیش از دوبار تئاتر می‌روند.

میانگین دفعات رفتن به تئاتر در سال در میان تئاترروها ۲.۶۳ بار است.

عکس‌های روز:

آتشکده آذرفرنبغ لارستان

شهروند عکاس

عکس های حرفه ای خود را با کیفیت مطلوب به آدرس ایمیل روزنامه طلوع toloudaily@gmail.com ارسال کنید تا در روزنامه درج گردد